

## خیر پیشکش! شر مرسانید!

جلال مجیدی، ۲۸ اوت ۲۰۰۱

چند سال پیش در بحبوحه جنگ ایران و عراق اعتصابی در کارخانه خودروسازان صورت گرفت. اعتصاب هشتمین روز خود را میگذراند. همه چیز خوب پیش میرفت. کارگران بر خواسته های خود مصر بودند و ذره ای حاضر به عقب نشینی نبودند. خبر اعتصاب از رادیو اسرائیل با جزییات پخش شد. فردای آنروز نیروهای سرکوبگر رژیم به همراه اطلاعاتی ها کارخانه را محاصره کرده و گفتند شما کارگران با اسرائیل رابطه دارید. گفتند اگر نصف کارگران اعتصابی را هم شده به اوین می بریم و اعتصاب شما را می شکنیم. تحت این فشارها و نسبت دادن آن به اسرائیل اعتصاب شکسته شد. غرض از آوردن این مثال نه مخالفت با بازتاب حرکات کارگری در خارج از کشور بلکه برجسته کردن حساسیت و موقعیتی که فعالین و دست اندرکاران مبارزات کارگری با آن روبریند است. واقعیت این است که در شرایط امروز جامعه ایران رهبران و فعالین کارگری در مبارزه برای ابتدایی ترین حقوق کارگری تاوان سنگینی پرداخته و مرارت های بسیاری متحمل میشوند. تقاضای من این است که کسانی که در خارج از کشور خیری به آنها نمیرسانند لااقل شر نرسانند.

چند روز پیش سمینار کارگری در دانشگاه امیر کبیر برگزار شد. در داخل کشور جریانهایی مثل روزنامه رسالت نوشتند که این فعالیتها توطئه نیروهای برانداز خارج از کشور از جمله حزب کمونیست کارگری است. مستقل از نیت برگزارکنندگان این سمینار و مضمون سخنرانیها هدف از این ضد حمله تنگ کردن فضای طرح مسائل کارگری و جلوگیری از مطرح شدن مسائل و مشکلات کارگران در سطح عمومی تر است. بلافاصله در خارج از کشور دو جریان نسبت به این رویداد عکس العمل نشان دادند. "کانون مستقل کارگری" مدعی شد که اساسا برگزاری این سمینار واکنشی بوده نسبت به فراخوان آنها که گویا چند روز! قبل از آن منتشر فرموده اند! برای رد این ادعای کودکانه مثل همه ادعاهایی که این کانون تک نفره مستقر در خارج از کشور مدعی شده است کافی است اشاره شود که در ایران امروز برای برگزاری چنین جلسه ای باید چند ماه دوید و تدارک دید. آیا این کانون مطلع است که برگزارکنندگان این سمینار قبلا چند بار جواب رد گرفته بودند؟ آیا واقعا با این ادعاها و برای مطرح ساختن اینترنتی خود باید به چنین ادعاهای غیر مسئولانه ای متوسل شد؟ آیا این کانون واقعا برای کمک به حرکت مستقل کارگری بنا شده است؟؟ عکس العمل دوم از جانب یکی از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران

بود. ایشان به رسم سنت دیرینه این حزب روی هوا ادعای روزنامه رسالت را قاپید و چنین مدعی شد که حزب کمونیست کارگری به دخالت‌های خود در جنبش کارگری ایران با شدت ادامه خواهد داد! آیا واقعا این عضو رهبری نمیداند که این حزب آدمی در ایران ندارد تا در جنبش کارگری دخالت کند؟ آیا ایشان نمیداند که روح احدی از این حزب به جز از کانال ایرنا و ایسنا و خبرگزاری‌های رسمی از واقعیات و فعالیتهای کارگری در ایران باخبر نیست؟ آیا ایشان با فرض پذیرش ادعاهای تو خالی حزب خود نمیداند که اگر حتی فردی با سمپاتی به حزب ایشان در چنین کاری سهمیم بوده دور از رسم مبارزه نیست که این حزب رسماً چنین ادعایی کند؟

من مثل بسیاری از فعالین کارگری میدانم که جریان‌هایی مثل "کانون مستقل کارگری" و "حزب کمونیست کارگری" ربطی به جنبش کارگری ایران ندارند. فعالیتی در آن ندارند. اما شاید هنوز کسانی باشند که فکر کنند لاقلاً این جریانات تلاش میکنند خیری به آن برسانند. مشاهده اعمال و فعالیتهای روزانه این جریانات و مثالی که عرض کردم نشان میدهد که اینها را به ما خیری نیست. فقط باید با هر زبانی که شده به اینها بگوییم که شر مرسانند! با جان و زندگی فعالین کارگری که در سخت‌ترین شرایط برای کسب کوچکترین حق سنگین‌ترین تاوان را میپردازند بازی نکنید!

کارگران ایران سا لهاست به تنهایی جلوی رژیم اسلامی صف کشیده اند، دستگیر می شوند، کشته و زخمی میشوند، زندان میافتند، وروی پای خودشان ایستاده‌اند. صدها تن از رهبران آنها در زندان هستند. آنها یاد میگیرند کارگر به نیروی خود آزاد میشود. هیاهوی توخالی نتیجه‌ای جز ضربه زدن به جنبش کارگری چیز دیگری ببار نمیآورد. روزنامه رسالت نیز اینرا خوب میداند و مخصوصاً برای ایجاد جو ارعاب و سرکوب بیشتر جنبش کارگری احتیاج به همین اعمال شما دارد!